

یادداشت روز

جشنواره فیلم فجر
خودش را به جانمی آوردعلی اکبر عبدالعلی زاده
نویسنده و منتقد

معتقدم جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین جشن انقلاب اسلامی است. بنابراین توقعات ما باید متناسب با این تعریف شکل بگیرد. متأسفانه در ادوار مختلف جشنواره شاهد افت و خیزهایی بوده‌ایم که جشنواره را به بی‌راهه برده، حتی گاهی این افت و خیزها به ضد هدف جشنواره تبدیل شده است. این انحراف‌ها در دوره‌های مختلف و گاهی تعمدی و توسط مدیران جشنواره ایجاد شده است.

جشنواره در ۴۳ سالگی باید به یک پختگی رسیده باشد، اما متأسفانه هنوز هم به نوعی جشنواره‌ای پر نقص است و در هر دوره، نواقص متفاوتی دارد. در بسیاری مواقع، جشنواره به جای اینکه به سمت ارتقای کیفیت برود، به‌طور تصادفی پیش می‌رود و همواره شاهد خطاهای بدیهی جشنواره‌های آماتوری می‌شود. مثل امسال که شاهد خطاهای طراحی پوستر بودیم که شاید در یک جشنواره دانشجویی یا دانش‌آموزی شاهد چنین اشتباهاتی نباشیم، اما در جشنواره فیلم فجر، چنین اشتباهات بزرگی در طراحی پوستر رخ می‌دهد.

یا خطاهای راهبردی و کیفی دیگر مثلاً در افتتاحیه جشنواره، ویدیویی از آقای خسرو شکیبایی پخش شد که نه با شأن این هنرمند فقید و نه با شان جشنواره همخوانی دارد. در حال حاضر، نوجوانان حتی با هوش مصنوعی و با امکانات دیجیتال، آثاری می‌سازند که از نظر کیفیت و دقت بسیار بالاتر از آن چیزی است که در جشنواره فیلم فجر پخش شد. یا اتفاقی که آقای رضا بابک رقم زد... این‌گونه اشتباهات نه تنها در کاهش اعتبار جشنواره در حوزه تخصصی بلکه در افکار عمومی هم تأثیر می‌گذارد. مردم که نسبت به انقلاب اسلامی تعلق خاطر دارند، از خود می‌پرسند که چنین اتفاقاتی در جشنواره فجر چه معنایی دارد؟ بر این منوال همواره شاهد خطاهای نه سلیقه‌ای که حرفه‌ای در ادوار مختلف هستیم.

در جشنواره فیلم فجر باید همه چیز با دقت و طبق برنامه پیش برود در حالی که جشنواره فیلم فجر هنوز اساسنامه مکتوب و آیین‌نامه‌ای مشخص ندارد. حتی بانک اطلاعاتی جامعی ندارد و این مسائل ضعف‌های بزرگی در برگزاری جشنواره ایجاد کرده‌اند.

حتی کیفیت جشنواره فرد محور است و به توان و تخصص دبیر وابسته است. در دوره‌هایی که دبیر جشنواره اهل نظم و برنامه‌ریزی است جشنواره به‌طور منظم پیش می‌رود، اما در دوره‌هایی که دبیر و عوامل ناآشنا یا بی‌تجربه وارد کار می‌شوند، جشنواره با مشکلاتی جدی مواجه می‌شود. باید این را بپذیریم که اگر جشنواره به‌طور حرفه‌ای مدیریت نشود، آسیب خواهد دید. عدم وجود بانک اطلاعاتی و اسناد جامع، یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌ها است. جشنواره فجر به‌عنوان یک جشنواره ملی، باید تمامی اطلاعات مربوط به ادوار مختلف را در دسترس قرار دهد.

این اطلاعات به‌طور مرتب باید به‌روز شود. امروز نمی‌توانیم در سایت جشنواره اطلاعات دقیق و به‌روزی از ادوار مختلف جشنواره پیدا کنیم. در حالی که همه ما می‌دانیم که مدیریت بر اساس داده‌ها و اطلاعات باید انجام شود و کیفیت مدیریت وابسته به پردازش داده‌هاست. متأسفانه، این آسیب‌ها در برگزاری جشنواره فجر به‌طور جدی مشاهده می‌شود و زحمت ایجاد می‌کند اما برایش فکری نمی‌شود. به‌عنوان مثال، بارها پیش آمده که در جشنواره فجر قصد داشتند از ارزیابی تجلیل کنند، اما در آخرین لحظه متوجه می‌شویم که همین شخص چند سال قبل در جشنواره تجلیل شده است. چنین اشتباهات ساده‌ای نباید در یک جشنواره ملی و معتبر رخ دهد این در حالی است که مدیریت از طریق داده‌ها اتفاق می‌افتد و کیفیت بر اساس مدیریت داده‌ها رخ می‌دهد.

متغیر بودن کیفیت جشنواره فیلم فجر به علت نبود بنیان‌ها و زیرساخت‌های مناسب است. با وجود ظاهر موفقیت‌آمیز جشنواره در برخی دوره‌ها، در زیرساخت‌ها و بنیان‌ها مشکلات زیادی وجود دارد که باعث تکرار خطاهای گذشته می‌شود. علاوه بر این، مشکلات مدیریتی و هدر رفت بودجه‌ها باعث آسیب به اعتبار فرهنگی جشنواره شده است و این افت‌های عمومی جشنواره فجر محسوب می‌شود.

یادداشتی بر فیلم «شمال از جنوب غربی» ساخته حمید زرگرنژاد

جنگل توطئه

تمرکز بر شخصیت‌های اصلی سبب می‌شود آدم‌های فیلم در دو گروه انقلابی و ضد انقلاب خلاصه شوند و ما ناظر مبارزه دو جبهه حق و باطل باقی بمانیم.

شخصیت بابک و زهره تشریح نمی‌شوند و به لحاظ شناختی مبهم و مجهول باقی می‌مانند. حتی وقتی پوشش تشکیلاتی زهره کنار می‌رود و تبدیل به نصرت فرمانده مجاهدین می‌شود باز هم شناختی از شکل و چگونگی و چرایی این تغییر به دست نمی‌دهد. زهره بعنوان مادر یک فرزند هشت ساله بطور و چگونه با همسرش زندگی می‌کرده و چرا هیچکدام شناختی از هم ندارند. تعداد آدم‌های روایت زیاد است به شکلی که گاه فیلمساز نیز شخصیتی را فراموش و در نیمه‌راه گم می‌کند. نگاه کنید به درگیری در بیمارستان و لورفتن نفوذی و عدم بازگشت مجدد به وی و اینکه اطلاعاتی از او استخراج می‌شود یا نه.

از سوی دیگر تلاش برای ایجاد هم‌حسی با تمام افراد بازی حتی شخصیت‌های فرعی، نه تنها کمکی به همراهی و همدلی نمی‌کند که نوعی زیاده‌گویی و گسست با جریان ماجرای اصلی بوجود می‌آورد. نگاه کنید به دلداری دادن مهدی به همزمش و دقایقی بعد از تیر خوردن و شهادتش، بی‌آنکه عمقی به توجه ما اضافه کند یا به لحاظ عاطفی تماشاگر را منقلب کند.

حجم بالای درگیری‌ها و تیراندازی‌ها و تکرار چند باره مواجهه دو گروه در جنگل چیزی جز تطویل بی‌هوده ندارد و داستان را به پیش نمی‌برد. این در جازدن بخصوص در بخش سوم فیلم به شدت ملال آور و حوصله سربر است تا جایی که با پایان یافتن فیلم می‌بینید جز زد و خورد و نمایش انفجار و تیراندازی، چیز دیگری ندیده‌ایم.

استفاده از لوکیشن جنگل‌ها و مرداب‌های شمال اگر چه زیبایی بصری به فیلم بخشیده اما حجم بالای انفجارها و تروکاژهای میدانی در جنگل‌های هیرکانی شخصاً مرا نگران حیات جانوری و محیط زیست حیوانی منطقه می‌نمود که این نکته قطعاً برای تماشاگران دیگر هم اتفاق افتاده است. در پایان اشاره کنم نام فیلم برگرفته از شاهکار کلاسیک «شمال از جنوب غربی» آلفرد هیچکاک دارد، اما آن کجا و این کجا.

«ابتدای جنگ تحمیلی، عملیات خرابکارانه‌ای در شمال کشور شناسایی که توسط بچه‌های اطلاعات توطئه بمب‌گذاری‌ها طی درگیری و عملیات چریکی خنثی می‌شود...»

حمید زرگرنژاد، کارگردان و تهیه‌کننده سینما، با فیلم‌های «پایان خدمت»، «ماهورا»، «برای مرجان» و «شماره ۱۰» در دوره‌های مختلف جشنواره فیلم فجر شرکت داشته و جوایزی را نیز از آن خود کرده است. در فیلم «شمال از جنوب غربی» محموله‌ای از مواد منفجره برای عملیات خرابکارانه وارد استان‌های شمالی کشور شده که در مرحله تعقیب و مراقبت، گم می‌شود. عملیات تروریستی با حمایت عراق توسط گروهک مجاهدین خلق تا پیش از عملیات مرصاد با شدت و حدت وجود داشت اما در خاطر من مانده که چنین عملیاتی در منطقه شمال انجام شده باشد. در عین حال این عدم آگاهی خللی به تماشای فیلم وارد نمی‌کند و در ادامه صرف‌نظر از وام‌گیری فیلم از واقعیت، نگاهی اجمالی به کلیت اثر می‌شود.

«شمال از جنوب غربی» با مضمون سیاسی و اکشن بالای کار و با توجه به کم‌تعداد بودن آثاری با این درونمایه، می‌توانست جذابیت خوبی برای مخاطب داشته باشد. ترکیب ژانر تروریستی و اکشن جنگی، به‌ویژه در سینمای ایران که کمتر سراغ چنین روایت‌هایی رفته، می‌توانست برای مخاطبانی که به داستان‌های پر تنش و پرهیجان علاقه دارند، جذابیت ویژه‌ای داشته باشد. از سوی دیگر، انتخاب چنین موضوعی در بستری تاریخی هم می‌باید نقطه عطفی بر سینمای دفاع مقدس می‌شد اما به زغم نگارنده، فیلم نتوانسته از عهده شاخص شدن برآید و در حد اثری قابل احترام باقی مانده است. فیلم با استقبال بابک از همسرش زهرا که با هم اختلاف داشته‌اند و پسر خردسالشان شروع می‌شود و در حینی که انتظار می‌رود در ادامه به شناخت نسبی از شخصیت‌ها برسیم بلافاصله تمرکز روایی بر نیروهای اطلاعاتی و متعاقب آن نیروهای تروریستی جلب می‌شود و بدون آنکه شناخت کافی و وافی از شخصیت‌ها پیدا کنیم در حجم بسیار بالای آدم‌های فیلم سرگردان می‌شویم. تعدد کاراکترها و عدم

رضا خسروزاد

یادداشت



جدول امتیاز دهی منتقدان به فیلم‌های روز چهارم بخش مسابقه جشنواره بین المللی فیلم فجر

منتقدین	نام فیلم	لولی	ژولیت و شاه	شمالی از جنوب غربی	چشم‌بادومی
	حسین گیتی	***	***	**	-
	فاطمه فریدن	-	**	**	*
	حسن لطفی	**	***	*	***
	پیمان شوقی	***	-	-	**
	محسن سلیمانی فاخر	-	-	**	**
	نغمه خدابخش	-	-	-	*
	ذبیح اله رحمانی	**	**	*	**
	مازیار معاونی	**	***	**	*
	وحید فرازان	**	**	*	**
	محمد شریعت پناه	**	**	**	***
	رضا حسینی	-	-	*	**
	ایمان عظیمی	*	*	*	*

*** خیلی خوب

** خوب

* متوسط

* بد